



تفسیر آیات مشکل

درس ۳۰

چشم زخم

استاد: آیت الله یعقوب جعفری

کارشناسی ارشد

مقدمه

در آیات متعددی از قرآن از توطئه‌های کفار و مشرکان برای از بین بردن پیامبر (صلی الله علیه وآله) سخن به میان آمده است. در عین حال پیامبر گرامی اسلام با سعه صدر آن‌ها را به اسلام دعوت می‌کردند و آیات الهی را برای هدایت آن‌ها تلاوت می‌فرمودند. یکی از عکس‌العمل‌های زشتی که کفار با شنیدن آیات از خود بروز می‌دانند این بود که، درصدد برمی‌آمدند که با نگاه‌های خود پیامبر را از بین ببرند. این آسیب رساندن با چشم، موضوعی است که درباره آن بحث‌های زیادی از سوی مفسرین صورت گرفته و بعضی آن را به مسأله چشم زخم ارتباط می‌دهند. در این درس به صحت و سقم موضوع چشم زخم و امکان وقوع آن می‌پردازیم.

محتوای آموزشی

«وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَ يَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ. وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ». (قلم، ۵۱-۵۲)

همانا کسانی که کافر شدند، چون قرآن را شنیدند، نزدیک بود که با چشم‌هایشان تو را هلاک کنند. و می‌گویند: او دیوانه است. در حالی که این (قرآن) جز این نیست که یادآوری و پندی برای جهانیان است.

لغت و اعراب

۱. «ان» در «و ان یکاد» مخفف از مثقله و برای تأکید است.
۲. «یکاد» از افعال مقاربه است.
۳. «لام» در «لایزلقونک» لام فارقه است که نشان می‌دهد که «ان» در آغاز جمله برای تأکید است و شرطیه نیست.
۴. «لایزلقونک» از «زلق» به معنای لغزیدن روی یخ یا گل که معمولاً باعث افتادن انسان بر زمین می‌شود. در این آیه، «ازلاق» از باب افعال به معنای لغزاندن و کنایه از هلاک کردن و از بین بردن است.

تفسیر

کافران و آسیب رسانیدن به پیامبر

پس از تهدید شدید کافران و دعوت پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) به شکیبایی در آیات پیش، اکنون یکی از عکس‌العمل‌های زشت کافران به هنگام شنیدن آیات قرآنی را بیان می‌کند و آن این‌که اینان پس از شنیدن آیات قرآن و پندها و یادآوری‌های پیامبر، درصدد برمی‌آمدند که با نگاه‌های خود پیامبر را از بین ببرند. علاوه بر آن کافران پیامبر را دیوانه می‌خواندند.

خداوند طبق آیه بعدی، در برابر آن‌ها قرآن را یادآوری و پند و اندرز برای جهانیان معرفی می‌کند، مسلم است که آورنده چنین کتابی عظیم، باید عقلی سرشار داشته باشد. آیا چنین کسی را می‌توان دیوانه خواند؟ بدون شک کافران از راه‌های گوناگونی درصدد نابود کردن پیامبر اسلام بودند و تهمت‌های متعددی به آن حضرت می‌زدند، ولی در این آیه از انجام کاری خبر می‌دهد که شیوه خاصی در آسیب رساندن و هلاک کردن است و آن آسیب رساندن به وسیله چشم‌ها و نگاه‌هاست.

چگونه می‌توان به وسیله چشم و با نگاه کردن، به کسی آسیب رساند؟ آیا منظور این است که کافران با نگاه‌های خشم‌آلود خود که از دشمنی، کینه و نفرت آن‌ها حکایت می‌کرد، به پیامبر نگاه می‌کردند و خواست درونی خود را که نابودی پیامبر بود، در نگاه‌هایشان آشکار می‌کردند و بدین‌گونه ضربه شدید روحی به پیامبر می‌زدند؟ یا مسأله به صورت دیگری بود؟

برخی از مفسران از قدیم و جدید خواسته‌اند آسیب رساندن با چشم را در همین معنا که گفتیم محدود کنند، ولی بسیاری از مفسران گفته‌اند: منظور آیه این است که کافران وقتی آیات قرآنی را می‌شنیدند، می‌خواستند به پیامبر چشم زخم بزنند و این براساس یک باور رایج در میان آن‌ها بود، که با چشم زدن می‌توان کسی را نابود کرد. اعراب عصر جاهلی به شدت به مسأله چشم زخم عقیده داشتند و به آن «اصابۃ العین» و «عین اللامه» می‌گفتند و حتی معتقد بودند که برخی از حیوانات مانند مار، سگ و کلاغ هم ممکن است انسان را چشم بزنند. آن‌ها وقتی می‌خواستند به کسی گزندی برسانند، سه روز گرسنه می‌ماندند، سپس آن شخص را چشم می‌زدند.^۱ هم‌چنین آن‌ها برای محافظت از چشم زخم، به طلسم‌های کاهنان روی می‌آوردند و گاهی کالای قیمتی خود را معیوب می‌کردند تا از چشم زخم مصون بماند. مثلاً اگر شتران کسی به هزار تا می‌رسید یک چشم شتر نر خود را کور می‌کرد^۲، شبیه اسپند دود کردن و زدن بر تخته و مانند آن‌ها که میان ما مرسوم است.

برپایه برخی از روایات، مشرکان خواستند از این روش برای از میان برداشتن پیامبر اسلام استفاده کنند و او را چشم بزنند، آن‌ها مردی از قبیله بنی‌اسد را که در چشم زدن معروف بود و چشم شوری داشت، مأمور این کار کرده بودند.^۳ خداوند در این آیه از تصمیم آن‌ها خبر می‌دهد.

چشم زخم چیست؟

چشم زخم عبارت است از تأثیر عمیق نگاه کننده در نگاه شونده، که از روی اعجاب و شگفتی امواج خاصی را از

۱- قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۹، ص ۲۵۶.

۲- جاحظ، الحيوان، ج ۱، ص ۱۷.

۳- این شأن نزول، در بیش‌تر تفاسیر با تفاوت‌های اندکی ذکر شده است. سور آبادی اضافه می‌کند که با نزول آیه چشم آن شخص

بترکید. (سور آبادی، ج ۴، ص ۲۶۷۰)

طریق چشم به سوی نگاه شونده می فرستد، که سبب آسیب دیدن آن شخص می شود. آیا از نظر علمی چنین چیزی می تواند حقیقت داشته باشد؟ بعضی ها آن را به کلی منکر شده اند و گفته اند: هیچ گونه دلیل علمی برای آن وجود ندارد، ولی برخی از فلاسفه و روان شناسان آن را قبول دارند و معتقدند که در وجود انسان نیروهای ناشناخته و اسرارآمیز بسیاری وجود دارد و نمی توان امکان چنین اثرگذاری را در نگاه بعضی از انسان ها نفی کرد. تأثیر حالات روحی برخی از انسان ها در طبیعت بی آنکه کار فیزیکی انجام بدهند، استبعاد ندارد و در خارج هم اتفاق افتاده است.

به گفته ملاصدرا، در نفوس برخی از اشعار و ناقص و همین طور در بعضی از نفوس قویه نیروهایی است که می تواند از او عبور کند و به بدن شخص دیگری برسد به گونه ای که روح این شخص را فاسد کند و یا حتی او را بکشد و این همان چیزی است که از آن به «اصابه العین» یا چشم زخم تعبیر می شود و از پیامبر نقل شده که فرمود: چشم، ممکن است شخص را در قبر و شتر را در دیگ قرار بدهد.^۱

حقیقت این است که دنیای وجود انسان، دنیای وسیعی است و نیروهای شناخته و ناشناخته در آن بسیار است و انتقال بعضی از حالات روحی به شخص دیگر به وسیله نگاه کردن، امری مشهود و غیرقابل انکار است، نگاه غضب آلود، نگاه محبت آمیز، نگاه ملتسانه، نگاه از روی خوشحالی یا غم و نگاه های دیگری از این قبیل، همگی باعث انتقال حالات روحی نگاه کننده به نگاه شونده است و نگاه شونده، از نوع نگاه آن شخص به روشنی درک می کند که او اکنون چه حالتی دارد و گاهی حتی همان حالت به نگاه شونده هم انتقال می یابد و او شاد یا غمگین یا خواب آلود می شود.

امروز هیپنوتیزم یک واقعیت است و برخی از اشخاص با نگاه های خود طرف مقابل را به خواب عمیقی فرو می برند و این چیزی جز تأثیر عمیق نگاه در طرف مقابل نیست.

بنابراین، نمی توان امکان آسیب رساندن با چشم و نگاه را انکار کرد و نفی آن کاری عالمانه نیست، ولی می توان در وقوع آن بحث کرد. آیا واقعاً چنین چیزی اتفاق می افتد؟ پاسخ این است که پذیرش همگانی آن در جوامع بشری از قدیم تا کنون و نقل داستان های بسیاری در این زمینه و تجربه های شخصی که برخی از افراد دارند، می توانند دلیل قانع کننده ای بر صحت آن باشد و مهم تر از همه این ها، تأکید رهبران دینی از پیامبران گذشته گرفته تا پیامبر اسلام و ائمه معصومین (علیهم السلام) بر وقوع آن است.

روایت های متعددی در این باره از معصومین (علیهم السلام) نقل شده است که چند نمونه از آن ها را نقل می کنیم:

۱- ملاصدرا، المبدأ والمعاد، ص ۶۰۷.

«إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) قَالَ الْعَيْنُ حَقٌّ فَمَنْ أُعْجِبَهُ مِنْ أُخِيهِ شَيْءٌ فَلْيَذْكُرِ اللَّهَ فِي ذَلِكَ فَإِنَّهُ إِذَا ذَكَرَ اللَّهَ لَمْ يَضُرَّهُ..»^۱

پیامبر فرمود: چشم زدن حق است، هرکس درباره چیزی از برادرش دچار شگفتی شود، در این باره خدا را یاد کند که اگر چنین کند، به او آسیب نمی‌رسد.

قال امير المؤمنين (عليه السلام): الْعَيْنُ حَقٌّ وَالرُّقْيُ حَقٌّ وَالسَّحْرُ حَقٌّ وَالْفَأَلُ حَقٌّ.^۲

امیر المؤمنین فرمود: چشم زدن حق است و دعا بستن حق است و سحر حق است و فال زدن حق است.

عن الصادق (عليه السلام) قال: وَلَوْ كَانَ شَيْءٌ سَابَقَ الْقَدَرَ سَبَقَهُ الْعَيْنُ.^۳

امام صادق (علیه السلام) فرمود: اگر چیزی بر قضا و قدر پیشی گیرد، چشم زدن پیشی می‌گیرد.

امام رضا (علیه السلام) پس از ردّ کارهایی که مردم برای دفع چشم زخم انجام می‌دادند، فرمود: «إِنَّمَا شِفَاءُ الْعَيْنِ قِرَاءَةُ الْحَمْدِ وَالْمُعَوِّذَتَيْنِ وَ آيَةِ الْكُرْسِيِّ»^۴

همانا شفاي چشم زدن، قرائت سوره حمد و دو سوره معوذته، یعنی فلق و ناس و آیه الکرسی است.

البته سند و مفهوم این روایات قابل بررسی است، ولی از مجموع روایات استفاده می‌شود که موضوع چشم زخم مورد تأیید معصومین (علیه السلام) بوده است.

بررسی موضوع در آیات قرآنی

در قرآن کریم نص صریحی درباره چشم زخم نیامده است، ولی برخی از مفسران آیاتی را ناظر بر چشم زخم دانسته‌اند که عمده‌ترین آن‌ها همین آیه مورد بحث (قلم ۵) است. علاوه بر آن، دو آیه دیگر را هم مطرح کرده‌اند که عبارتند از:

۱. «وَقَالَ يَا بَنِيَّ لَا تَدْخُلُوا مِنْ بَابٍ وَاحِدٍ وَادْخُلُوا مِنْ أَبْوَابٍ مُتَفَرِّقَةٍ» (یوسف، ۶۷)

طبق این آیه حضرت یعقوب به فرزندان خود سفارش می‌کند که وقتی برای تهیه آذوقه به مصر رفتند، همگی از یک دروازه وارد نشوند، بلکه از دروازه‌های گوناگون وارد شوند.

بعضی از مفسران در توجیه علت این سفارش، گفته‌اند که یعقوب می‌ترسید پسران او را چشم بزنند، چون آن‌ها

۱- بشار الانوار، ج ۶۰، ص ۳۵.

۲- نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره ۴۰۰.

۳- مکارم الاخلاق، ص ۴۱۴. شبیه این روایت را اهل سنت از پیامبر (صلى الله عليه وآله) نقل کرده‌اند و طبرسی هم با قید (روی) آن را نقل کرده است. مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۳۵.

۴- کافی، ج ۶، ص ۵۰۳.

یازده نفر بودند و برای خود شوکت و هیبتی داشتند.^۱

به نظر می‌رسد که این آیه به موضوع چشم زخم دلالت نمی‌کند و ظاهر این است که یعقوب نگران آن بود که اگر پسرانش به‌طور دسته جمعی از یک دروازه وارد مصر شوند، در میان مأمورین حکومت حساسیت ایجاد کند و باعث دردسر آن‌ها شود. شاید هم نگرانی یعقوب این بود که بر آن‌ها حسد برند و در نتیجه به آنان آسیبی برسانند.

۲. «وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ» (فلق، ۵)

در سوره مبارکه فلق، به پیامبر سفارش می‌شود که از شرّ چند چیز به خدا پناه ببرد، از جمله از شر حسد کننده. برخی از مفسران گفته‌اند که یکی از آسیب‌هایی که ممکن است حسد کننده به انسان برساند همان چشم‌زدن است، چون گفته شده که عمده‌ترین عامل چشم‌زدن حسادت است.

روشن است که این آیه هم دلالتی بر حقیقت چشم زدن ندارد. چون حسد کننده همواره می‌خواهد به محسود خود آسیب وارد کند و اقدامات عملی برای نابودی او انجام دهد. البته احتمال این‌که او را چشم بزند هم وجود دارد، ولی این ربطی به آیه ندارد و اگر کسی اصلاً چشم زخم را قبول نداشته باشد، هیچ نقصی در دلالت آیه به‌وجود نمی‌آید.

کوتاه سخن این‌که، باتوجه به مجموع بحث‌هایی که کردیم، نمی‌توان چشم زخم را رد کرد، به‌خصوص این‌که در روایات بر آن تأکید شده، ولی دلالت آیات قرآنی بر آن به‌ویژه دو آیه اخیر محل تأمل است.

چکیده

در پی دعوت کفار به اسلام از سوی پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله)، کافران در صدد برآمدن تا با آسیب رسانیدن به پیامبر (صلی الله علیه وآله) او را از بین ببرند، از این‌رو با استفاده از شیوه خاصی به‌وسیله چشم‌ها و نگاه، در پی هلاک و آسیب رساندن به ایشان برآمدند. بعضی این نگاه‌ها را حاکی از دشمنی و نفرت آن با پیامبر (صلی الله علیه وآله) می‌دانند که در نگاه‌هایشان آشکار می‌کردند و برخی از مفسران آن را به مسأله چشم زخم ارتباط می‌دهند، که در بین مشرکان و اعراب عصر جاهلی این مسأله رواج داشته است.

در این‌که چشم زخم می‌تواند حقیقت داشته باشد، نظرات مختلفی وجود دارد که باتوجه به مطالب نقل شده نمی‌توان به کلی امکان آسیب رساندن با چشم و نگاه را انکار کرد و نفی آن کاری عالمانه نیست، ولی می‌توان در وقوع آن بحث کرد؛ زیرا انتقال بعضی از حالات روحی به شخص دیگر به‌وسیله نگاه کردن، امری مشهود و غیرقابل انکار است. اضافه بر این‌که از مجموع روایات استفاده می‌شود که موضوع چشم زخم مورد تأیید معصومین (علیهم‌السلام) بوده است.

۱- مجمع‌البیان، ج ۵، ص ۳۸۰. به نقل از ابن عباس، حسن بصری، قتاده و چند تن دیگر.